

فضایل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن

چکیده

پژوهش حاضر با موضوع «فضایل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن» با هدف بررسی و شرح آیاتی که پیرامون فضایل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حوزه های مختلف نازل شده، صورت گرفته است.

خداوند در قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را «اسوه الحسنه» معرفی نموده و اطاعت از ایشان را بر همه واجب دانسته است. از این رو لزوم الگو گیری و تبعیت از ایشان نیاز به شناخت آن حضرت دارد. بهترین معرف شخصیت ایشان، آیات قرآن کریم است؛ زیرا قرآن سندی محکم و موثق و به دور از افراط و تفریط در بیان ویژگی های آن حضرت می باشد.

از آنجا که موضوع این پژوهش دینی و وحیانی است، پژوهشگر از طریق بررسی منابع و متون تفسیری قرآن و استخراج آیات و روایاتی که به توصیف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرداخته در جهت تحقق اهداف خویش کوشش نموده است.

در حوزه اوصاف فردی، در قرآن برای پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) و یک سلسله فضایل و مزایا ذکر شده است که برخی از آنان جزء فضایل عامه و خطوط کلی نبوت است که تمام انبیای الهی از آنها بر خوردارند. برخی دیگر فضایل خاصه آن حضرت می باشد که با عنایت الهی به خاطر افضلیت بر دیگران واجد آنهاست و پیامبران دیگر از آنها بی بهره اند.

واژگان کلیدی: اخلاق، اوصاف، پیامبر، شرح صدر، شفاعت، عبودیت، عصمت، فضائل.

طرح بحث

الحمد لله رب العلمین وصلاة علی محمد و آله اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین.

خداوند در اوج قله انسانیت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را چراغی فروزان قرار داد تا بشر گرفتار ظلمت جهل را به واسطه او به سوی حق دعوت کند؛ و این بشر سرگردان را به آن اسوه حسنه ارجاع داد و صفات و فضایل و چگونگی رفتارش را در کتاب آفرینش بیان داشت تا بشر با درک آن صفات، آن حضرت را الگوی زندگی خود قرار بدهند و با بهره مندی معنوی در ابعاد مختلف زندگی، به حیات خویش معنا ببخشند.

در طول تاریخ بسیاری از اندیشمندان و سیره نویسان، بارها از جهات مختلف به بررسی سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و بیان اوصاف و ویژگی های ایشان پرداخته اند؛ اما اکنون برای بشر امروزی که گرفتار بحران هویت است، ضروری است تا دوباره با تامل و تدبیر در شخصیت آن حضرت و شناخت ایشان و یافتن رابطه او با قرآن کریم، با الگو گیری از آن حضرت به زندگی بحران زده خویش سامان ببخشند.

استفاده از آیات قرآن در شناخت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) موجب دست یافتن به معیاری صحیح و اصیل و دور از هر گونه افراط و تفریط، جهت معرفی آن حضرت و پاسخ به شبهات و پرسش های که پیرامون ایشان، در حوزه های تاریخ اخلاق و سیاست و... مطرح است، می باشد.

این مقاله محصول تامل و تدبیر در آیاتی که پیرامون آن حضرت نازل شده، می باشد. شیوه این تحقیق، استخراج و تنظیم موضوعی آن آیات و بررسی آنها است.



پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن

در قرآن کریم، در حوزه اوصاف فردی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای ایشان فضایل عامه و خاصه مطرح است. مقصود از فضایل عامه، آن دسته از مزایای پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که بین تمام انبیا الهی مشترک می باشد و مقصود از فضایل خاصه، آن دسته از مزایایی است که مخصوص پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است و انبیا دیگر از آنها بی بهره اند.

الف - فضایل عامه

۱. **عبودیت:** یکی از برجسته ترین اوصاف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرستشگری مخلصانه ایشان است. عبودیت یعنی «اظهار فروتنی و طاعت و فرمانبرداری از حق» (اصفهانى، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۴)

خداوند می فرماید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده» (فرقان، ۱) در این آیه آن حضرت منتسب به عالی ترین اسماء حسناى الهی یعنی «هو» شده اند. قرآن هرگاه می خواهد تعبیر «عبد» را برای سایر انبیا به کار ببرد، همراه با ذکر نام آنهاست؛ اما در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعبیر «عبد» دارد که اشاره به بالاترین درجه عبودیت است. (املی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۶)

در آیات دیگری خداوند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را با عنوان «اول عابدین» (زخرف، ۸۱) «اول مسلمین» (انعام، ۱۶۳) توصیف می کند. در قرآن هیچ کس جز آن حضرت با این عنوان توصیف نشده است؛ مقصود از اول بودن ایشان در این زمینه، اولویت بر حسب درجه و رتبه است.

در بسیاری از آیات خداوند ایشان را مؤدب به آداب خود نموده است که منظور از آن آداب،



انجام دادن اعمال دین با هیات توحید است. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تربیت و تزکیه الهی، موحدی یگانه است. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۲، ص ۱۶)

نیاکان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز همگی یگانه پرست بوده و هیچ گاه کافر و یا بت پرست نبوده اند. خداوند می فرماید: «و تقلبک فی الساجدین» (شوری، ۲۱۶) یعنی خداوند همواره آن حضرت را از اصلاص پاک به ارحام مطهره منتقل می فرمود. علت برخورداری از این ویژگی این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از حمایت خانواده ای شرافتمند برخوردار باشد و عدم آلودگی به رزایل قبل از بعثت، موجب جلب مردم به ایشان شود. (ابو زهره، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۴۸)

با این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سر زمینی زندگی می کرد که بت پرستی دین رایج آنجا بود، از همان زمان که به سن تمییز رسید، با تفکر در آفریده های خدا، او را عبادت می کرد. بعد ها با هدایت خداوند از دین ابراهیم آگاه شد و بر طبق آن خدا را پرستش می کرد. (ابو زهره، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۰۷) در هر سال، چند ماه را در غار حرا به عبادت مشغول بود که در همان حال هم به پیامبری مبعوث گردید.

در اولین آیاتی که بعد از بعثت به ایشان نازل شد، خداوند او را به تهجد و عبادت امر فرمود: «قم اللیل الا قلیلاً». (مزل، ۲) پیامبر در واقع به خاطر محبتی که به حضرت حق داشت، او را عبادت می کرد.

البته در دلش هم شوق به بهشت داشت و هم ترس از جهنم. تمام اعمال و رفتار و حرکات و سکنات او عبادت خداوند بود. خداوند می فرماید: «قل ان صلاتی و نُسُکی و مَحیای و مَمَاتی لله رب العالمین». (انعام، ۱۶۳)

حقیقت این است که صفت عبودیت مطلق هدایت یافتگی آن حضرت، صفتی ذاتی و هدیه



الهی به ایشان است که با بعثت و آغاز رسالت به وجود نیامده است؛ اما تفاوت عبادت ایشان قبل و بعد از بعثت در این است که قبل از رسالت برای آمادگی وی برای پذیرش امر رسالت بوده، بعد از بعثت برای تربیت مردم و آموزش آنها بوده است.

۲. اخلاق: عظمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در خلق نیکوی اوست. خداوند به خاطر داشتن این صفت او را می ستاید: «انک لعلی خلق عظیم» (قلم، ۴) خلق از ماده «خ ل ق» به معنای سجایایی است که با دید دل و فطرت درک می شوند. (اصفهانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۳۵) خداوند برخی از سجایای اخلاقی آن حضرت را در قرآن بیان داشته است. از آن جمله موارد زیر می باشد:

- نرم خویی و مهربانی: خداوند صفتی به این بنده اش می بخشد که ایشان را برترین عالمیان نموده و موجب جلب مردم به ایشان و پیروی از او شده است. خداوند می فرماید: «فیما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فضا غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (آل عمران، ۱۵۹) و می فرماید: «عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم» (توبه، ۱۳۵) آن حضرت به خاطر رقت قلب و رحم و رفتی که دارند، هر گونه ناراحتی و زبانی که به انسان ها برسد، برای ایشان سخت ناراحت کننده است و از رنج مردم، رنج می برد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۶، ص ۱۹۷)

- صبر و استقامت: یتیمی و فقر مادی در دوران کودکی و نوجوانی و جوانی، باعث به وجود آمدن این صفت نیکو در پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شد. بعد از بعثت نیز ایشان به امر خداوند که فرمود: «واصبر علی ما یقولون» (مزل، ۱۰) در مقابل تمام تهمت ها و سخنان ناروای مشرکان، صبور و پایدار بود.

- عفو و گذشت: از آنجا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ کاری را برای وجود



خودش انجام نمی داد و همواره به فکر انجام رسالت و رضای الهی بود، به امر خداوند از خطاهای مردم می گذشت و با نرمی با آنان برخورد می فرمود. خداوند می فرماید: «فاعفوا و اصفحوا».

(بقره، ۱۰۹)

- سخاوت: صفت بخل در هیچ شانی از شئون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وجود ندارد. آن حضرت، کریم است و مظهر جود خداوند می باشد. ایشان با سخاوت تمام هر آنچه از وحی دریافت می کرد، به مردم می رساند و در اختیار همه قرار می داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۶، ص ۱۹۷) خداوند می فرماید: «وما هو علی الغیب بضین» (تکویر، ۲۸)

- امانت داری: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از بعثت در میان قریش به «امین» شهرت داشت؛ زیرا پایبند به عهد و پیمان، امانت دار و بسیار صادق بود. بعد از بعثت نیز همواره به آنچه به مردم می گفت و دیگران را به آن دعوت می نمود، قبل از همه به آن عمل می کرد. این نشانه صادق بودن ایشان است. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۴، ص ۵۹۸) خداوند در باره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «ان لکم ناصح امین» (اعراف، ۱۶۸)

- مشورت: یکی از آموزه های خداوند به آن حضرت مشورت کردن با مردم در امور مختلف است؛ و می فرماید: «و شاور هم فی الامر» (آل عمران، ۱۵۹) با اینکه کلمه امر مفهوم وسیعی دارد اما در تاریخ برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ۴ مورد آن هم در جنگ های بدر و احد و خندق و محاصره طائف بیان شده است. (موسوی تبریزی، ۱۳۶۶، ص ۲۷۷)

- توکل: خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان می دهد که پس از تصمیم گیری به خداوند توکل کند: «فاذا عزمت فتوکل علی الله» (آل عمران، ۱۵۹) ایشان از بالاترین درجه توکل برخوردار بودند. صبر و استقامت ایشان در برابر سختی ها از نشانه های توکل کامل



ایشان است.

- زهد: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سید زاهدان است. با این که می توانست تمام متاع دنیا را در اختیار بگیرد، اما تنها به مقداری جهت گذران زندگی اکتفا کرد. خداوند این رابطه با ایشان دستور می دهد: «و لا تمدن عینک الی ما متعنا» (حجر، ۸۸) آن حضرت زاهد بود اما هرگز از جهاد و مبارزه و دعوت به حق و تربیت افراد دست بر نمی داشت.

۳. عصمت: یکی از مواهب الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که لازمه رسالت ایشان است، عصمت است. عصمت انبیا به معنی نگه داری آنها از معصیت است. قرآن کریم عصمت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در همه ابعاد علمی و عملی بیان کرده است. در بعد علمی لازم است که آن حضرت، وحی الهی را به طور صحیح دریافت کند. چون قرآن از نزد خداوند نازل می شود و جبرئیل امین، حامل آن است، در این جهت برای ایشان عصمت وجود دارد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مرحله ثبت و ضبط نیز معصوم بودند؛ زیرا به حکم آیه «سنقرئک فلا تنسی» (اعلی، ۷) خداوند آن حضرت را از نسیان حفظ می کند.

در مرحله تبلیغ و رساندن وحی به مردم نیز معصوم بود و چیزی را بر آن اضافه نمی کرد و یا از آن نمی کاست. از روی هوی و هوس خود سخن نمی گفت. خداوند می فرماید: «ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی». (نجم، ۳ و ۴)

در بعد عملی نیز معصوم بود؛ یعنی قبل از دیگران به وحی عمل می کرد و آنچه به مردم می گفت، خود عامل آن بود. آن حضرت بنده مخلص خداست که شیطان در او راه ندارد. (آملی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۱)



۴. علم غیب: خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از علم غیب آگاه کرده بود؛ زیرا می فرماید: «فلا یظهر علی نفسه احدا الا من ارتضى من رسول» (جن، ۲۶ و ۲۷) از اطلاق این آیه استفاده می شود که در مورد هر امری که لازم است که پیامبر علم آن را داشته باشد، خداوند علمش را به او داده است. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۲۶۷)

۵- زندگی بشری: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مانند دیگر انبیا الهی، یک بشر بود. تنها تفاوت او با دیگران، در این بود که به ایشان وحی الهی نازل می شد. خداوند به خاطر اینکه برای بشر، پیامبری از جنس خودشان فرستاده است که حرف او قابل فهم برای آنهاست و آنان با سیره و روش او آشنا هستند، بر مؤمنین منت می گذارد و می فرماید: «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم». (آل عمران، ۶۴)

ب- فضایل خاصه

۱. مظهر خداوند: خداوند در برخی آیات، بعضی از صفات ذاتی خود را به آن حضرت هم نسبت می دهد. از جمله آنها صفت اغنا و صفت عزت است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این صفات، هم عرض خداوند و یا در طول او نیست. بلکه ایشان جلوه تام اغنا و عزت الهی است. (آملی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶)

۲. مخاطب خداوند: در عظمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) همین بس که مخاطب خداوند است و قلب ایشان محل نزول قرآن کریم است. خداوند در محاورات قرآن، برای آن حضرت احترامی خاص قائل است و ایشان را با عناوینی چون: رسول، نبی، مزمل و مدثر مورد خطاب قرار می دهد و به آن حضرت سلام و صلوات می فرستد: «ان الله و ملائکته یصلون علی

النبی». (احزاب، ۲۹)



۳. رحمت عالمیان: وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تمام عالم مایه رحمت و

برکت است. برخی آیات قرآن به رحمت عامه ایشان اشاره دارد. مثل «و ما ارسلناک الا رحمہ للعالمین» (انبیاء، ۱۰۶) و برخی دیگر از آیات به رحمت خاصه آن حضرت نسبت به مومنین اشاره دارد. مثل «و بشر المؤمنین بان لهم من الله فضلا کبیرا» (اعراف، ۴۷) بهره مندی مومنان از این رحمت، با اجرای دستورات اوست و بهره مندی کافران به برداشتن عذاب هایی چون مسخ است. (محمدی گلیایگانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۸۴) همچنین وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان مردم باعث بخشودگی گناهان آنهاست.

۴. شرح صدر: مهمترین موهبت الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شرح صدر

است. خداوند می فرماید: «الم نشرح لک صدرک» (انشراح، ۱) منشا شرح صدر، سعه وجودی انسان است و این گشادگی سینه از اتصاف انسان به اسماء و صفات الهی حاصل می شود. آن حضرت چون مظهر تام اسماء الهی است، این صفت به ایشان عطا شده است که مهمترین وسیله برای اداره جامعه اسلامی می باشد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۵۷)

۵. امی بودن: یکی از نکات روشن زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که هم تاریخ

و هم قرآن آن را بیان کرده اند، امی بودن ایشان است. خداوند می فرماید: «الذین یتبعون الرسول النبئی الامی» (اعراف، ۱۷) در باره مفهوم این کلمه میان مفسران اختلاف است. برخی این کلمه را «منسوب به شهر مکه» معنا کرده و برخی منظور آن را -مشرکان عرب که تابع کتاب آسمانی نبوده اند- دانسته اند. برخی دیگر آن را «درس نخوانده و مکتب ندیده» ترجمه کرده اند؛ اما نظر اول و دوم با دلایلی قرآنی قابل رد است. نظر سوم ثابت می شود. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۴۴)



۶. خاتمیت: خداوند در قرآن به طور صحیح و روشن بیان می کند که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آخرین فرستاده اوست و بعد از او نبی و رسولی نخواهد آمد. می فرماید: «ولکن رسول الله و خاتم النبیین» (احزاب، ۴۰) علاوه بر این آیه، آیات فراوانی به این موضوع اشاره دارد؛ آیاتی که امت اسلام را بهترین امت ها معرفی می کند و یا حفظ قرآن را از تحریف و نسخ بیان می کنند و یا این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیم دهنده عالمیان معرفی می کند، از جمله آن آیات می باشد. قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را «خاتم النبیین» معرفی می کند؛ زیرا مقام نبوت از مقام رسالت برتر است. نبی، حامل خبر غیبی است و رسول، حامل رسالت. مفاد رسالت جزء غیب هستند. پس وقتی نبوت و غیبی نباشد، رسالتی هم نخواهد بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم خاتم انبیا است وهم خاتم رسل. (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۵)

۷. شهادت و گواهی در آخرت: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز قیامت به نفع مومنان گواهی می دهد. علاوه بر اعمال امت خود به اعمال انبیا گذشته نیز گواهی می دهد. واضح است کسی می تواند بر اعمال دیگران شهادت دهد که ناظر بر آنها بوده باشد. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در دنیا ناظر بر اعمال امت است و اعمال آنها بر او عرضه می شود. آیات قرآن این مطلب را تایید می کنند.

۸. شفاعت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) واسطه رحمت الهی است که به وسیله او رحمت گسترده خدا و مغفرت و آمرزش او به افراد گنه کار می رسد و آنها را از عذاب الهی نجات می دهد. تا زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (دستورات ایشان) در میان مردم باشد، عذاب های الهی همچون مسخ و عذاب های اقوام گذشته از بشر برداشته شده است. کافران و مشرکان هیچ گاه مورد شفاعت آن حضرت قرار نخواهند گرفت. بلکه به عقیده شیعه، افراد گنه



کار شفاعت می شوند و یا به عقیده اهل تسنن، اهل بهشت مورد شفاعت قرار می گیرند تا بر مراتب و مقامات آنها افزوده شود. به هر حال باید افراد گناहانی چون ظلم را از خود دور کنند و شرایطی را در خود به وجود بیاورند تا شفاعت شوند. (آملی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۳۵ تا ۴۶)

۹. بشارت های کتب مقدس: خداوند متعال چنین مقدر فرموده بود که هر یک از پیامبران، پیامبر قبل خود را تصدیق نموده و به آمدن پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) بشارت دهند. در واقع همه ادیان زمینه ساز آمدن آیین اسلام هستند. خداوند از همه پیامبران برای ایمان به آن حضرت و نوید به آمدن او، پیمان گرفته است. این موضوع حتی در کتب تحریف شده یهود و نصاری، موجود است.

حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن

در حوزه اوصاف اجتماعی و سیاسی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن کریم مسائلی مطرح است که در این مقاله تحت عنوان «حاکمیت سیاسی» مطرح می شود؛ زیرا حاکمیت و استقلال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در اداره کردن امور جامعه، از ویژگی های برجسته آن حضرت است و تمام امور جامعه از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی و مالی و... زیر مجموعه سیاست است.

حاکمیت در اصل از آن خداوند متعال است و در مواردی به اذن خود، حکم تشریعی را به پیامبرانش واگذار می کند. در قرآن در ارتباط با شئون حاکمیت سیاسی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مسائلی مطرح شده است:

رهبری و هدایت: مهمترین عنصر یک حکومت اسلامی، رهبر آن است که باید دارای ویژگی هایی باشد. در مورد مسائل حکومتی با مردم مشورت کند و در تصمیم خود قاطع و بدون انعطاف باشد. رهبری که در صدد هدایت مردم است، باید خود او هدایت شده الهی باشد و در



صراط مستقیم حرکت کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هدایت شده الهی است و خود او عین صراط مستقیم می باشد. (نساء، ۱۰۵) او نور و سراج منیری برای هدایت بشر است.

حکم و قضاوت: در برخی آیات، خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را حاکم در بین

مردم معرفی می کند و برای نظر ایشان حجیت قائل است. چنان که می فرماید: «انا انزلناک الیک الکتاب بالحق لیحکم بین الناس...». در آیات دیگر، نشانه ایمان را، تسلیم خواسته او بودن می داند. حکم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شامل همه دستورات است که در مورد مختلف صادر می کند، می شود. علما به این احکام در زمان حضور و عدم حضور آن حضرت بر همه واجب است.

محوریت: وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) محور ایجاد قسط و عدل و تمام مسائل

اجتماعی می باشد. کار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنها بیان احکام نیست، بلکه وظیفه اصلی او برقراری نظام عادلانه و نظم و ترتیب دادن مردم به وسیله اجرای قوانین و احکام الهی است.

در این راستا مهمترین محور اجتماع، یعنی امور مالی (زکات و خمس و انفال) در اختیار ایشان قرار گرفته و شخص ایشان سر پرست طریقه مصرف و تقسیم آنها می باشد.

اولویت و ولایت: از مناصبی که خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عطا

کرده است، ولایت مطلقه بر مومنین می باشد. آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که ولایت ایشان را ثابت می کند. خداوند می فرماید:

«النبی ولی بالمؤمنین من انفسهم...». (احزاب، ۶) معنای اولی بودن آن حضرت بر مومنین از

خود آنها، این است که ایشان اختیار دار مردم است و مردم باید همیشه ایشان را بر خود ترجیح

دهند و اطاعت از او بر همه واجب است. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۳۵)



و جوب اطاعت و پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بسیاری از آیات، خداوند مردم را به اطاعت از پیامبر دستور می دهد. اطاعت به معنای امتثال امر است. پس پیامبر باید از سوی خود امر ونهی داشته باشد؛ برای این منظور خداوند بسیاری از تصمیم گیری از کارهای اجتماعی و سیاسی را به آن حضرت واگذار می کند در قرآن به این موضوع اشاره شده است و در روایات نیز این مسئله را تایید می کند. (رستمیان، شماره ۲۳، ص ۹۰)

همانطور که اطاعت از خداوند حد و مرزی ندارد و مطلق بی قید و شرط است، اطاعت از رسول نیز دارای این ویژگی است. در واقع ایمان داشتن به آن حضرت به معنای تبعیت تام و اطاعت کامل از ایشان است.

نتیجه پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، بخشودگی گناهان و داخل شدن در بهشت، استفاده از نعمات عام بهشت، فلاح و رستگاری، هم نشین شدن با انبیا و صدیقان و شهیدان و صالحان در بهشت و ... می باشد.

نتیجه عدم پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این است که خداوند نافرمانی از آن حضرت را شرک به خود می داند و او را معذب نموده و هیچ گاه او را یاری نخواهد کرد.

حکومت جهانی: دین اسلام از بدو ظهور، خود را با یک دید جهانی عرضه کرد و در بسیاری از آیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را رسول همه مردم و ترساننده همه عالمیان معرفی می کند. علت جهانی بودن اسلام این است که نظامی هماهنگ با فطرت بشر دارد؛ یعنی دستورات اسلام بر فطریات انسان منطبق بوده و در فطرت انسان دگرگونی حاصل نمی شود. پس دستورات اسلام هیچ گاه نسخ نخواهد شد. علت دیگر ماندگاری اسلام شخصیت والای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. (موسوی تبریزی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۵)

دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جهانی شدن دین اسلام و هدایت مردم، به



صورت تدریجی و مرحله به مرحله بوده است. ایشان در ابتدا به مدت سه سال به صورت پنهانی تبلیغ می نمود. در محله بعد به فرمان خداوند، خویشان و اقوام خود را به دین اسلام دعوت نمود و بعد از آن قوم عرب را مخاطب خود قرار داد و بعد از آن عموم مردم جهان را با آیین اسلام دعوت کرد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مسیر دعوت خود از روش ها و سیاست های خاصی استفاده می کردند:

تبشیر: یکی از شئون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مبشر است. در آیات فراوانی خداوند پیامبر را چنین معرفی می کند. مخاطب بشارت های پیامبر مومنان هستند که پیامبر به آنان نوید مغفرت الهی و اجر و فضل کبیر از جانب خداوند به صورت عام، ورود به بهشت و جاودانگی در آن به صورت خاص را می دهد.

انذار: یکی دیگر از شئون آن حضرت «منذر» یعنی ترساننده و بیم دهنده است. مخاطب این نوع گفتار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کافران و مشرکان هستند، بر خورد با این دسته از مخالفان نیازمند ویژگی های خاصی چون شجاعت و گذشت، سعه صدر ... است. (صدر، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷)

امتیاز انذار بر تبشیر این است که تبشیر بدون انذار مؤثر نیست؛ اما انذار به تنهایی مفید و تأثیر گذار بر افراد است. خداوند در بسیاری از آیات در معرفی آن حضرت فقط لفظ انذار را به کار برده و در آن محصور می کند.

دعوت: خداوند در معرفی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین می فرماید: «و داعیاً الی

الله باذنه...» (احزاب، ۴۶) دعوت، سوق دادن مردم به سوی خیر است. این سوق دادن به روش های مختلفی صورت می گیرد اما برای پیامبر این روش ها معلوم شده و خداوند آنها را بیان داشته



است.

الف - **حکمت** که به معنای شنا سایی نیک و بد و صلاح و فساد کارهاست. (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۷۲) انسان به وسیله شناسایی می تواند راه درست را پیدا کند و آنچه برای حیات فردی مفید است یا ضرر دارد تشخیص دهد.

ب- **موعظه حسنه** که عامل بیداری نفس است و باعث جهل زدایی و غفلت زدایی می شود. موعظه نیکو به معنای تشویق مردم به ترک زشتی ها و انجام کارهای پسندیده می باشد. (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۷۲) و بهترین شیوه آن موعظه غیر مستقیم و عملی است. چنان که سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنان بود و قبل از آن که دیگران را به انجام امر خداوند ترغیب کند خود عامل آن بود

ج- **مجادله احسن**: جدال در مورد پیچاندن طرف مقابل در گفتگو برای غلبه بر او به کار می رود که هم می تواند باعث هدایت شود و هم باعث دشمنی و ستیزه. در جدال حق، هدف نفوذ در افکار و روح طرف مقابل است؛ و روش آن این گونه است که مجادله گر از هر چیزی که باعث برانگیختن حس لجاجت طرف است، جلوگیری کند و اصرار نداشته باشد که حرف او را قبول کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۰، ص ۲۶)

۴- **تبلیغ**: برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن یک آیه تبلیغی وجود دارد و در موارد دیگر، حکم را خدا بیان می کند و زمان تبلیغ را به رسول واگذار می کند؛ اما در این آیه خداوند دستور تبلیغ امری را می کند که نظیر و مانند ندارد که اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را انجام ندهد، وظیفه رسالت خود را به پایان نرسانده است. این آیه ابلاغ جانشینی حضرت امام علی علیه السلام است که در آخرین سال های زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از اتمام حجه الوداع نازل شد. منظور از جانشینی امام علی علیه السلام به عهده گرفتن



ریاست و رهبری جامعه اسلامی در سه جهت حکومت داری، بیان احکام و معارف، رهبری حیات معنوی می باشد. (کمپانی، بی تا، ص ۵۷۵)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در راستای حکومت جهانی خود، با ورود به مدینه تشکیل حکومت داد و برای ایجاد امنیت در این نظام، با دشمنان خود که مخل امنیت بودند؛ برخوردی براساس آموزه های قرآن داشت؛ که این نوع برخورد آن حضرت، از برجسته ترین اوصاف ایشان می باشد.

مخالفان اسلام، چند گروه بودند که گاهی به تنهایی و یا با همکاری گروهی دیگر، امنیت را از جامعه اسلامی سلب می کردند.

یکی از این گروه ها، منافقان هستند، این گروه به چند دسته تقسیم می شوند: عده ای قبل از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امید و طمع ریاست در آینده به اسلام گرویدند و عده ای از اهل مدینه که از اسلام راضی نبوده ولی با هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تظاهر به اسلام کردند و عده ای بعد از فتح مکه به اجبار ایمان آوردند و جزء منافقان شدند.

گروه دیگر مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اهل کتاب یعنی یهودیان مدینه و نصرانیان ساکن اطراف آن بودند که معمولاً ثروت مدینه در دست آنان بود. آنها خطر جدی برای اسلام محسوب می شدند.

قریش مکه نیز از دشمنان سرسخت اسلام بودند که از همان آغاز بعثت به مخالفت با رسول پرداختند. تهمت های فراوانی به آن حضرت نسبت دادند و چند بار هم تصمیم به قتل ایشان گرفتند. بعد از هجرت نیز بارها به بهانه های مختلف به جنگ با مسلمان ها پرداختند و همواره در پی سلب امنیت و آرامش مسلمان ها بودند.

نحوه و چگونگی برخورد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با دشمنان، در برخی آیات قرآن



مطرح شده که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- عدم سازش و مقابله با تطمیع: روش عمومی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در

تمام طول زندگی، از آغاز بعثت تا پایان عمر، این بود که هیچ وقت تحت تاثیر تطمیع مشرکان، یهودیان و... قرار نمی‌گرفت و همواره با با قاطعیت با آنان برخورد می‌کرد. (موسوی تبریزی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۹)

۲- مدارا با مخالفان: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به فرمان خداوند، هرگاه دشمنان

تمایل به جمع نشان می‌دادند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز تمایل نشان داده و با آنان عهد و پیمان امضا می‌کردند که مفاد آنها بر طبق مصالح هر دو گروه بود و حقوق هر دو گروه محترم شمرده می‌شد. دیگر این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همواره اهل کتاب را به وجوه اشتراک و پرهیز از نقاط افتراق دعوت می‌کرد و وحدت کلمه را در بین آنها رشد می‌داد و آماده پذیرش اسلام می‌کرد.

۳- بحث و مناظره: یکی از اقدامات دشمنان برای کاستن محبوبیت رسول خدا (صلی الله

علیه و آله و سلم) این بود که سوالات و شبهاتی مطرح کنند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز همواره با آنان وارد مذاکره می‌شد و به شبهات آنان از طریق وحی پاسخ می‌داد. نتیجه این مناظرات فقط سرکوبی و رسوایی دشمنان بود.

۴- حذر و احتیاط: در صورتی که دشمنان اهل گفتگو و بحث نمی‌بودند، پیامبر (صلی الله

علیه و آله و سلم) وظیفه داشت از آنان حذر کند و مراقب دسیسه‌ها و اعمال آنها باشد. لازمه این مراقبت، داشتن صبر و بصیرت است تا به موقع لازم بر علیه آنان قیام کند.

۵- جهاد و مبارزه مسلحانه: خداوند به پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می

دهد: «یا ایها النبی جهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم...» (توبه، ۷۴) جهاد به معنی نهایت



کوشش در جهت اصلاح امر دشمنان است که با هر وسیله ممکن جلوی شرو فساد آنها را بگیرند. در مورد جهاد با منافقین، در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ درگیری مسلحانه ای صورت نگرفت. بلکه این جهاد به صورت موعظه زبانی، اجرای حد بر آنها، یا تهدید و مذمت و توبیخ و رسواسازی و... بوده است. (یکتا، ۱۳۸۱، ص ۱۷۵) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با نصرانیان، چهار بار جنگید؛ جنگ اول با قبیله بنی کلب، جنگ دوم با رم شرقی (موته) و بعد از آن جنگ تبوک و در آخر هم سریه خالد بن ولید بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همچنین درگیری های با یهودیان داشتند. ایشان با قبائل بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه وارد جنگ شدند.

همچنین آن حضرت چندین بار با مشرکان مکه جهاد کردند. جنگ هایی چون: بدر، احد، خندق، غزوه بنی مصطلق، بین مسلمین و مشرکان در گرفت تا که این پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شهر مکه را در سال هشتم هجری، بدون خونریزی فتح نمود.

آنچه از نظر شما گذشت، خلاصه ای از اوصاف رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که قرآن کریم در آیات فراوانی به آنها اشاره نموده است. امید آن است با الگو گیری و بهره مندی از این اوصاف برجسته بتوانیم جامعه را به سوی سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنیم.



نتیجه بحث

برای شناخت «اسوه حسنه» لازم بود که بدانیم خداوند، بنده برگزیده خود را چگونه توصیف کرده و چه ویژگی های به آن حضرت ارزانی داشته و چگونه او را برای اداره جامعه عظیم اسلامی و انجام وظیفه سنگین رسالت، پرورش داده است و برای این که بتوانیم پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) را الگوی زندگی خود قرار بدهیم، لازم بود، چگونگی رفتار آن حضرت را در جامعه اسلامی و نحوه برخورد با مخالفانش را بدانیم.

از آنجا که بهترین منبع برای این نوع شناخت، آیات نورانی قرآن کریم است، به بررسی آیات قرآن و استخراج اوصاف آن بزرگوار و تشریح آیات مربوطه پرداختیم.

حاصل آن که دانستیم، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده خالص خداست که در تمام عمر مبارکش جز او نپرستید و جز خواسته او عمل نکرد و جز وحی او، سخنی بر زبان نیاورد. خداوند قلب مبارکش را گستراند، به گونه ای که تحمل هر نوع مشقت و مصیبت و آزار و تهدید و شکنجه را یافت. با مومنان نرم خو و مهربان بود و با دید کریمانه از گناه همه می گذشت. آن قدر بزرگوار بود که خداوند اخلاق عظیمش را ستود.

خداوند سینه مبارکش را گستراند، به گونه ای که شایسته دریافت سخنان پروردگارش شد. هرگز در دریافت و ثبت و ضبط و تبلیغ آن دچار خطا و نسیان نشد و بدون کم و کاست آنها را به بشر هم نوع خود رساند.

در راه تبلیغ دین حق، طبق وحی الهی عمل می کرد و به هر کس به قدر معرفت و ظرفیتش سخن می گفت؛ بعضی را با بشارت و برخی را با انذار دعوت می کرد. گاهی با حکمت، گاهی با موعظه و گاهی با جدال و بحث و مناظره.

او در تمام عمر، نه چیزی خواند و نه چیزی نوشت و نه از کسی علم آموخت. بلکه علمش از



جانب غیب خداوند بود. آن حضرت آخرین فرستاده الهی است و خداوند از پیامبران قبل از او، پیمان ایمان به آن حضرت و بشارت به آمدنش را گرفت.

بعثتش متنی بر مومنان و وجودش مایه برکت و رحمت و غفران الهی برای صالح و طالح و برای انس و جن و ملائکه تا ابد است. در دنیا ناظر بر اعمال همه است و شفاعتشان در آخرت موجب بخشودگی گناهان و نجات از قهر الهی خواهد بود.

خداوند او را اولی و ولی بر مومنان قرار داد و زمام امور زندگیشان را به آن حضرت تفویض کرد و او را رهبر و قاضی و محور همه امور قرار داد و اطاعت و پیروی از ایشان را بر همه تا ابد واجب نمود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ گاه با دشمنان خدا، مصالحه و سازش نکرد و گاهی جهت مدارا با آنان، عهد و پیمان امضا می نمود و گاهی به بحث و مناظره می نشست. همواره اعمال و دسیسه های آنها را زیر نظر داشت و در صورت قیام علنی بر علیه اسلام، دست به مبارزه مسلحانه می زدند.

اطلاع یافتن از این اوصاف و آگاه کردن مردم از آنها، می تواند بهترین الگو برای زندگی آنان و راه گشای مشکلات نسل امروز باشد.



فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. دشتی، محمد: ترجمه نهج البلاغه، چاپ دهم، قم، مشرقین، ۱۳۸۰.



۲. ابو زهره، محمد: خاتم پیامبران، ترجمه حسین صابری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
۳. جوادی املی، عبد الله: تفسیر موضوعی قرآن کریم، تهران، انتشارات اسراء، ۱۳۷۴.
۴. حسینی یکتا، علی: شناخت منافقان، قم، دانش و ادب، ۱۳۸۱.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی: سیره نبوی (منطق عملی)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
۶. راغب اصفهانی: مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلام رضا خسروی حسینی، چاپ دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۱.
۷. شریعتی، محمدتقی: وحی و نبوت از دیدگاه قرآن، بی جا، حسینیه ارشاد، بی تا.
۸. صدر، سیدرضا: محمد فی القرآن، به اهتمام سید باقر خسرو شاهی، قم، دفتر تبلیغات، ۷۸.
۹. طباطبائی، سید محمد حسین: تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ سوم، تهران، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۲.
۱۰. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن: تفسیر جوامع الجوامع، ترجمه احمد امیری شاد مهری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۱۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ترجمه احمد بهشتی، قم، موسسه انتشارات فرهانی، ۱۳۵۱.
۱۲. کمپانی، فضل الله: رحمت عالمیان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۳. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار الجامعه لدور الاخبار الائمه الاطهار، موسسه وفا، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق.
۱۴. محمدی گلپایگانی، ابوالقاسم: جرعه ای از زلال وحی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۵. مطهری، مرتضی: آشنایی با قرآن، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات



صدرا، ۱۳۸۳.

۱۶. مطهری، مرتضی: انسان در قرآن، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات صدرا،

۱۳۸۲.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: تفسیر نمونه، چاپ بیست و هفتم، تهران،

دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

فهرست مقالات

۱. رستمیان، محمد علی: حاکمیت سیاسی پیامبر در قرآن، نشریه حکومت اسلامی،

دوره هفتم، شماره ۲۳، صص ۷۷-۹۶.

۲. موسوی تبریزی، سید حسن: دیپلماسی حضرت رسول، مجموعه مقالات زندگی

اسوه بشریت، دامغان، دانشگاه رسول اکرم، ۶۶.

